

حال اگر پیشوای دین از طرفی خود حکیم (موقع شناس) نباشد از طرف دیگر در استنباط حکم تشکیل پارلمان مذهبی نداده از عقول جامعه روحانیت استعداد ننموده پس ناچار با فرای ناهنجار به نسخ و زوال دین کمک نماید چه ربطی به اصل دین دارد !!

(اسلام بذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست در مسلمانی ما است) به تیره نگارنده آیه کریمه «راءتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» نیز مفهومش اینست که این دین مبین اجتماعی را دست جمعی حفظ کنید که «بدالله مع الجماعة». اکنون که در طی سخن اشارتی از شجره طیبه فیض وجود (که ریشه آن غیب عالم امر و شاخه آن شهود نشأه خلق میباشد) بمیان آمد لازم است اشاره می هم به مسئله ربط حادث بقدم (که از مسائل عویصه و لافیه است) بنعناهم : حکیم قاآنی (قدس سره) این راز مشکل را در طی يك قصیده غرا چنین بیان میفرماید :

« یکی گفتا قدیم از اصل با حادث نه بودند  
 سپس پیوند ما با ذات بسی همتا چنانستی  
 بگفتم راست میگوئی و راه راست می پوئی  
 و اینک آنچه میجوئی عیان از این بیانستی  
 بجنبد سرو را شاخ از نسیم و ریشه با بر جانستی  
 بجنبد اصل آن اصلا و گر فرغش توانستی  
 ازین تمثال روشن شد که شخص آفرینش را  
 حدوثی با قدم اندر طبیعت توامانستی  
 بصورت هست زاینده بمعنی هست پاینده  
 بوجهی از مکان بیرون بوجهی در مکانستی  
 از آن پابندگی همپایه با عقل گرانمایه  
 وزین زاینده همپایه با یون ز مانستی  
 (۳۱)

روان بسو علی سینا ازین اشراق سینامسی

بزریر خاك تارى پای کسوبان کسف زنانستی

کس ارزی تربیت پوید که « قآنی » چنین گوید

سراید مرحبا بالله که تحقیق آن چنانستی

نگارنده نیز در قصیده شاهد و مشهود ( در شرح عوالم وجود ) در طی تفسیر آیه

نور شجره طیبه تجلی الهی را اینگونه ستوده :

هستی اندر ارض اعیان هشت از اکوان شجر

اصل ثابت فرع ثابت این شجر داراستی

شرق اعیان را یسار و غرب اکوان را یمین

خود نه شرقی و نه غربی شرق و غرب آراستی

شرق او مصباح عقل و غرب وی مشکوة نفس

طبع کل ز بتون هیولی خود ز حاج اولاستی

از جماد و نبت و حیوان و آنکه از انسان تمام

شعله ای مخروطی از ضوه صور بر پاستی

معنی « نور علی نور » - انعکاس روح و جسم

مقصد از ضرب مثل نصب حجج اینجاستی

این شجر روئید از اسماء و داد اعیان نمر

او ز واجب جلوه گر، ممکن ازو پیداستی

مخفی نماند که کریمه نور علی نور اشاره است به یکی از رازهای بزرگ علمی

که آخرین قانون کشف فلاسفه است در باب بخش جان و تن و آن عبارت است از

« تعاکس ایجابی و اعدادی » که بین روح و جسم برقرار می باشد و بدینجهت روح علت

و جسم آلت وصول انسان است به کمال مطلوب چنانکه ما نیز بهمین اصل اشاره نمودیم

که « معنی « نور علی نور » - انعکاس روح و جسم » خذ فغنتم ( ح - ق )

اکنونکه نسبت روح و جسم و اصل و فرع شجر طیبه وجود را شناخته اید قدری

عطف توجه به مطالب گذشته بنمایید که :